

## نگاهی به تئاتر سیاسی در ایران

هفته نامه مثلث:

همان گونه که معروف است و همه کس می دانند ریشه اصلی هنر نمایش در ایران به گونه های تعزیه و روحوضی بر می گردد. تئاتر مدرن از دوره ناصری در عهد قاجار وارد ایران می شود. جالب است که ورود تئاتر مدرن به ایران از همان ابتدا با اجرای تئاترهای سیاسی نیز همراه است. از این نظر آغاز هنر تئاتر مدرن در ایران در واقع آغاز تئاتر سیاسی نیز هست. گرچه واضح است که می توان ریشه ها و رگه های سیاسی پرنرنگی نیز در دو گونه تعزیه و روحوضی ها جست و جو کرد.

با این مقدمه کوتاه می توان گفت که تئاتر در ایران از هر حیث ریشه های سیاسی و ظلم ستیزانه داشته و در دوران معاصر نیز، درونمایه های سیاسی اش را حفظ کرده است. با این همه آغاز تئاتر سیاسی به معنای متداول و مدرن آن در سال 1286 و تقریباً همزمان با آغاز نهضت مشروطیت در ایران بود.

### آغاز تئاتر سیاسی در ایران

با طلوع مشروطیت در ایران به سال 1324 هجری قمری، جوش و خروش عجیبی در زمینه ادبیات و فرهنگ به وجود آمد و تئاتر هم چون سایر بخش های فرهنگی و هنری از این تحول عظیم بهره مند شد. جماعات هنرپیشگان و تئاترهای متعددی در این دوره پدید آمد.

اولین اینها، تئاتر فرهنگ بود که در عمارت مسعودیه نمایش می داد. یعنی بنایی بود که به اسم مسعود میرزا ظل السلطان معروف بود و بعدها شد وزارت فرهنگ.

بعضی از اعضای تئاتر فرهنگ در رشته های دیگری شهرت پیدا کردند که از آن جمله بودند: مجدعلی فروغی، عبدالله مستوفی، علی اکبر داورفر، فهیم الملک و سیدعلی نصر یعنی کسی که او را پدر تئاتر ایران نامیده اند.

تئاتر دومی، تئاتر ملی نام داشت که از قضا سیدعلی نصر نیز عضو آن بود. این تئاتر را سید عبدالکریم محقق الدوله در سال 1329 هجری قمری بنا کرد. مرکز فعالیت این گروه، در محل هتل فاروس در لاله زار بود و شاید بتوان گفت که لاله زار، مرکز فعالیت های تئاتر تهران شد. در سال 1334 هجری قمری، سیدعلی نصر ضمن بازگشت از سفر اروپا، کمدی ایران را تاسیس کرد که 10 سال باقی بود و این موسسه، اولین موسسه منظم تهران به شمار می رفت و وزارت تئاتر ایران، این تئاتر را به رسمیت شناخت.

بسیاری از هنرپیشگان نامی آن دوران در این تئاتر، فن هنرپیشگی را فراگرفتند که از آن جمله اند: بهرامی، رفیع حالتی، فضل الله بایگان، غلامرضا فکری، علی اصغر گرمسیری.

تا پیش از تاسیس «تئاتر ملی» انجمن ها و مراکز مختلف تحت عناوین گوناگون از تئاتر برای پیشبرد هدف های سیاسی و تبلیغاتی خود استفاده می کردند، اما «تئاتر ملی» که ریاست آن را عبدالکریم خان محقق الدوله به عهده داشت، امکانات و بودجه خود را از محل خیریه آموزش و پرورش تامین می کرد و مستقلا در اختیار نمایش و اجرای تئاتر قرار داد.

فعالیت های چندساله «تئاتر ملی» موجب شد که تئاتر همچون هنری مستقل که حتی قادر است از نظر مالی خود را تامین کند از طرف مقامات رسمی و مردم شناخته شود و شوق و شوری در میان مردم نسبت به تئاتر برانگیخته شود.

حتی عده ای از دانشجویان که برای تحصیل به خارج رفته بودند، در رشته تئاتر تحصیل کردند و با دست های پر علمی و هنری به ایران بازگشتند و بنای تئاتر نوین ایران را طرح ریزی کردند.

باید دانست که در جریان مشروطیت مردم ایران به حقوقی واقف شدند که پیش از آن از وجود آن آگاه نبودند. در کشور ما حزب های مختلف، هر چند به شیوه سنتی وجودداشت، اما تئاتر وجود نداشت.

بنابراین به گمان عده ای از روشنفکران، تاسیس تئاتر، گذشته از ارزش هایی که بر قفس نمایش مرتبط بود، نمادی از ترقی و رشد فکری تلقی می شد.

شرایط تئاتر ایران در فاصله سال های 1320 تا 1322 را شماری پژوهندگان به سبب گستردگی اجرای صحنه و رشد تئاتر «دوران صحنه» نامیده اند.

این دوران به دلیل استقبال جامعه تماشاگران و مخاطبان از تئاتر صحنه به یادماندنی است. در آن سال ها تولیدات سینمای ایران به لحاظ کیفی و کمی در حدی نبود که بتواند پاسخگوی مخاطبان باشد، تلویزیون هنوز به ایران نیامده بود. رادیو به میزانی که باید در دسترس مردم قرار نداشت.

به دلیل درصد بالای بی سودای در کشور از مطبوعات استقبال چندانی نمی شد و به همین دلیل از فعالیت های نمایشی استقبال مناسبی به عمل می آمد.

انگیزه تماشاگران متفاوت بود و گروهی به قصد صرفا سرگرمی و شماری به دلیل گرایش های سیاسی خود نمایش های مورد نظرشان را برای تماشا انتخاب می کردند. شکل های پذیرش جامعه از تئاتر و جو سیاسی حاکم بر کشور، زمینه ای برای انتخاب و اجرای آثار نمایشی بود.

تئاتر در این دوره ظرفیتی بالقوه برای تبلیغ سیاسی رایج و جذب افراد به سوی احزاب نوپا داشت. به همین دلیل بود که بخش مهمی از فعالیت های نمایشی- ترجمه و نگارش و اجرا- ملهم از خطوط سیاسی رایج آن روزگار شد و بالاخره یکی از مهمترین اتفاق های این دوره شکل گیری «گروه تئاتر ملی» با هدف دستیابی به نمایش هایی با هویت ایرانی بود. سرپرست این گروه، شاهین سرکسیان بود. کسانی چون عباس جوانمرد و علی نصیریان در پایه گذاری این گروه به او پیوستند و بازیگرانی پرسابقه چون رقیه چهره آزاد و عصمت صفوی با این گروه همکاری کردند. تشکیل این گروه با استقبال محافل روشنفکری و ادبی رو به رو می شود.

## تئاتر سیاسی بعد از انقلاب

در سال های نخست انقلاب اسلامی، تئاتر نیز همچون دیگر فعالیت های هنری به خاطر شرایط سیاسی- اجتماعی آن روزها دچار تغییراتی شد و به دلیل عدم برنامه های مشخص با رکورد همراه بود.

در این سال ها هنرمندان حرفه ای تئاتر یا راهی سینما و تلویزیون شدند یا این کار را به کلی کنار گذاشتند. چند نفر نیز تن به مهاجرت دادند. با این همه در سال 58 در مجموع 23 نمایش و در سال 60 نیز تنها 16 نمایش در تالارهای تهران به اجرا درآمد.

از سال 61 با روی کار آمدن مسئولان جدید و سیاستگذاری های مرکز هنرهای نمایشی تولیدات تئاتری رو به افزایش گذاشت و با برگزاری جشنواره های مختلف تئاتر آمار تولیدات بالا رفت. به هر حال در دهه اول پس از انقلاب رشد تئاتر همچون دیگر هنرها چندان شتابنده نبود و فضای سیاسی و اجتماعی ناشی از پیروزی انقلاب و همجمله های خارجی به کشور و جنگ تحمیلی، به حوزه فرهنگ کشور چندان فضایی برای اظهار وجود نمی داد. در این دوران آثار کسانی همچون اکبر رادی و بهرام بیضایی شیوه های پرداختن به موضوعات سیاسی و فرهنگی را در تئاترهای سیاسی متحول کرد.

نمایشنامه هایی همچون مرگ یزدگرد، فتحنامه کلات و سهراب کشی از بیضایی و پلکان، تانگوی تخم مرغ داغ و آهسته با گل سرخ از اکبر رادی با رگه هایی سیاسی- اجتماعی شیوه های تازه بیان سیاسی در تئاتر ایران را پایه ریزی کردند. این نمایشنامه ها هرگز به صراحت با موضوع سیاسی مواجه نشدند و وجه دراماتیک آنها بسیار پررنگ تر از وجه سیاسی آنهاست با این وجود بستر اصلی قصه در برخی نمایشنامه ها همچون مرگ یزدگرد، ذاتا سیاسی- تاریخی است و در برخی دیگر همچون تانگوی تخم مرغ داغ بیشتر اجتماعی- سیاسی است.

با این حال در دهه هفتاد و هشتاد نسل جدیدی از نمایشنامه نویسان و کارگردانانی وارد صحنه شدند که متأثر از نمایشنامه های بیضایی و رادی به دنبال راه های جدیدی برای بیان هنری می گردند و این جست و جو را در آثارشان منعکس می کنند. در این دوران و پس از پایان جنگ تحمیلی، نظارت نهادهای دولتی بر اجرای تئاترها بیشتر شد و یله بودن این حوزه که از ابتدای انقلاب به واسطه شرایط انقلابی به وجود آمده بود، با نظارت وزارت ارشاد، محدود شد.

در برخی از دولت‌ها نظارت بسته بر اجرای تئاترها باعث شد که گروه‌هایی زیرزمینی شکل بگیرند و تئاترهایی که اصطلاحاً خط قرمزی هستند را روی صحنه‌های زیرزمینی ببرند. بر همین اساس در سال‌های گذشته نوعی تئاتر خانگی یا زیرزمینی شکل گرفت که برای فرار از ممیزی دستگاه‌های نظارتی در فضاهای خصوصی عرضه می‌شود. اگرچه این گروه‌های تئاتر عمدتاً با هدف رد کردن خط قرمزها و ممیزی‌های اخلاقی شکل گرفتند اما برخی نیز موضوعات سیاسی تند و تیزی را در اجراهای خود دنبال کردند.

## تئاتر سیاسی در سال‌های اخیر

به هر حال حیات تئاتر سیاسی همواره در تاریخ پس از انقلاب حفظ شد و به ویژه پس از پایان دولت دهم، تئاترهای سیاسی در تماشاخانه‌های خصوصی افزایش پیدا کردند.

از سال 92 تئاترهای سیاسی چشمگیر و پرتماشگری روی صحنه رفتند. در این سال «تیغ و استخوان» به کارگردانی منیژه محامدی، «بیوه‌های غمگین سالار جنگ» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین پور، «پوتین‌های عمویابا» به کارگردانی شهرام کرمی، «تعبیر یک رویا» به کارگردانی خیرالله تقیانی پور، «خرمگس» به کارگردانی علی عابدی، «سیندرلا» به کارگردانی جلال تهرانی و «مرگ تصادفی یک آنارشیست» به کارگردانی مصطفی عبداللهی رگه‌های سیاسی-اجتماعی نسبتاً پرنرنگی داشتند.

اما روند تئاترهای سیاسی در سال 93 شتاب گرفت و با روی کار آمدن دولت جدید، گویا تئاتری‌ها جسارت بیشتری را در انتخاب موضوع‌های سیاسی خرج کارهایشان کردند.

در سال 93 «پاپیز» نادر برهانی مرند، «گفت و گوی فراریان» میلاد شجره، «دهانی پر از کلاغ» قاسم عبداللهی، «زمستان 66» علی جعفری، «دیوارها» ی مارال پردلی بهروز، «جنگ شب‌ها می‌رسد» سیدبهرام سروری نژاد، «شبی بیرون از خانه» رامین معصومیان و فرید قادرپناه و... روی صحنه رفتند.

اما در سال 94 تئاترهای سیاسی شدت و حدت بیشتری گرفتند و این روند در سال 95 نیز ادامه یافت. پیام دهکردی، تئاتر «کسی نبود بیدارمان کند» را روی صحنه برد و علی رفیعی نمایش «خاطرات و کابوس‌های یک جامه‌دار از زندگی و مرگ امیرکبیر» را. همچنین «مضحکه شبیه قتل» حسین کیانی، «بهمن» افروز فروزند، «استثنا و قاعده» سعید میرزایی و «خانه کاغذی» مجد برومند در سال 94 روی صحنه رفتند که مضمون‌های پنهان و هویدای سیاسی را در قصه خود جا داده بودند. همچنین در سال جاری نیز تئاتر «افسانه بیر» به کارگردانی هادی عامل و «راپورت‌های شبانه دکتر مصدق» به کارگردانی اصغر خلیلی روی صحنه رفتند که رگه‌های پرنرنگ سیاسی داشتند.

## تبصره ای درباره تئاتر سیاسی در سال های اخیر

تئاتر سیاسی در سال های اخیر به لحاظ فرم و زیبایی شناسی بصری و همچنین به لحاظ محتوایی از نظر نشانه شناسی و بیان سمبلیک به بلوغ رسیده است. زبان هنر تئاتر در واقع با بهره گیری از طنز و کمدی، بیان موضوعات سیاسی را در دستور کار خود قرار داده و مخاطبان خود را به گفت و گو دعوت می کند.

جالب آن است که در تئاترهای چند سال اخیر به جای برجسته شدن موضوع های سیاسی، مضامین سیاسی مدنظر تئاترها قرار گرفته است. به این معنی که به جای ارجاع خاص به اشخاص یا رویدادهای سیاسی، فرآیندهای امر سیاسی و کنش سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.

می توان گفت که در همه آثار تئاتری چند سال اخیر، تنها وجه مورد نظر تئاتری ها پرداختن به حوزه داخلی سیاسی بوده و کمتر کسی روابط بین المللی و دیپلماسی بین المللی را در کانون قصه نمایشش قرار داده. با این همه می توان گفت که تئاترها برخلاف تئاترهای کمتر به صراحت به موضوعات سیاسی پرداخته اند اما به لحاظت اثرگذاری و پرداختن به ریشه های اکت سیاسی، این تئاترها در مقایسه با تئاترهای یکی، دو دهه گذشته سیاسی تر شده اند.

منبع: برترین ها <http://www.bartarinha.ir/fa/news/383884>